Quran and Hadith Studies **علوم قرآن و حدیث**

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/ Vol. 54, No. 1: Issue 108, Spring & summer 2022, p.33-52

Online ISSN: 2538-4198 Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 31-05-2021 Revise Date: 31-10-2021 Accept Date: 09-12-2021

DOI:10.22067/jquran.2021.72262.1172 Article type: Original

Exegetical Studies in Contemporary Iran; the Flows and Approaches

Forough Parsa, Associate professor, Institute for Humanities and Cultural Studies

Email: f.parsa@ihcs.ac.ir

Abstract

Exegetical studies have expanded greatly over four decades after the foundation of the Islamic Republic. By analyzing the historical and social conditions of this period and existing discourses, this paper aims to deal with the flowology of interpretive studies. So, in Iran's cultural context, two exegetical flows were identified, each of which includes different groups. The first is based on "the sameness of the religion and politics" discourse. This flow believes in this discourse's components, namely "the necessity of the clergies' involvement in the politics", "guardianship of *Wilāyat-e faqīh* (the Islamic jurist)", and "comprehensiveness of the Quranic rules" and interprets the Quran according to them. The second is a flow that has interpreted the Quran without any consideration or bias toward the mentioned discourse and its components. The theoretical framework of this study is "the reception theory" which emphasizes the role of the interpreter and his historical and social situation in the text interpretation. The results show that in the first exegetical flow that is the advocate of "the sameness of the religion and politics" discourse, different interpretations have been written with philosophical, rational, social, and preaching approaches. Also, the impartial interpretive flow has consisted of different ranges of interpreters with traditional, modern-traditional, the Quran sufficiency, scientific, ethical, educational, and hermeneutic attitudes.

Keywords: Interpretation of the Holy Quran, Exegetical flows, "The sameness of the religion and politics" discourse, Post-revolution Iran

علوم قرآن و حدیث
Quran and Hadith Studies

سال ۵۴ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۰۸- بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۵۲ - ۳۳
HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸
شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸

تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۰۶/۰۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹
تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۰۹/۱۸

نوع مقاله :پژوهشی
DOI: 10.22067/jquran.2021.72262.1172

مطالعات تفسیری قرآن کریم در ایران معاصر؛ جریان‌ها و رویکردها

فروغ پارسا
دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
Email: f.parsa@ihcs.ac.ir

چکیده

مطالعات تفسیری در ایران در بازهٔ زمانی چهار دههٔ پس از تأسیس جمهوری اسلامی گسترش قابل ملاحظه‌ای داشته است. این جستار با تحلیل شرایط تاریخی و اجتماعی این دوران و گفتمان‌های موجود به جریان‌شناسی مطالعات تفسیری اهتمام داشته و در فضای فرهنگی ایران دو جریان تفسیری را شناسایی کرده که هر یک به نوبه خود طیف‌های مختلفی را در خود گنجانده‌اند. جریان تفسیری نخست، جریانی است مبتنی بر گفتمان این همانی دیانت و سیاست است که به مؤلفه‌های این گفتمان یعنی ضرورت دخالت روحانیت در سیاست، ولایت فقیه و جامعیت احکام قرآنی باور دارد و با توجه بدان‌ها به تفسیر قرآن اهتمام نموده است. جریان دوم، جریانی است که بدون لحاظ و سوگیری نسبت به گفتمان این همانی دیانت و سیاست و مؤلفه‌های آن به تفسیر قرآن مبادرت کرده است. چارچوب نظری این پژوهش نظریه هرمنوتیک دریافت(reception theory) است که به نقش مفّسر و شرایط تاریخی و سیاسی وی در تفسیر متن اهمیت می‌دهد. در جریان تفسیری همسو با گفتمان این همانی دیانت و سیاست، تفاسیری با رویکردهای فلسفی و عقل‌گرایانه، اجتماعی و نیز واعظانه تألیف شده‌اند. در جریان غیر همسو، طیف‌های مختلف مفسّران سنّی، سنتی نوگرا، قرآن‌بسنده، علمی‌نگر، اخلاقی، تربیتی و هرمنوتیکی مدرن گرد آمده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تفسیر قرآن کریم ، جریان‌های تفسیری، گفتمان این همانی دیانت و سیاست، ایران پس از انقلاب اسلامی

مقدمه

قرآن کریم به مثابهٔ منشور ایمان و عمل همواره مورد توجه مسلمانان ایران بوده و تاریخ شاهد معتبری بر فعالیت‌هـای گسـترده مفسـران ایرانـی در تفسـیر و تبیـین آموزه‌هـا و آیـات نـورانی ایـن کـلام الهـی بـوده است.[۱] پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در ۱۳۵۷ش/ ۱۹۷۹م و پیدایی نظام جمهـوری اسـلامی ایـران ، عوامل مساعد بیشتری برای مساهمت دانشمندان ایرانی در امر تفسیر قرآن فراهم آورده است. در واقـع در ۴ دهه پس از انقلاب اسلامی ایران علاوه بر افراد، سازمان‌ها و گروه‌های مختلفی متولّی تألیف آثـار تفسـیری بوده‌اند. چنان که شمار آثار تفسیری و تک‌نگاری‌های قرآنی در این بازه زمانی به لحاظ کمّی و کیفی رشد و گسترش قابل ملاحظه‌ای نسبت به کل سده‌های پیشین داشته و این همه ضرورت تحلیـل و مطالعـه همـه-جانبه این آثار را فراهم کرده است.

در سنّت تفسیری مسلمانان اگرچه بعضاً شرایط ویژه‌ای برای تفسیر و مفسّر مطرح شـده ولـی مـلاک و معیاری برای برتری هیچ یک مطرح نشده است (سیوطی، ترجمه الاتقان، ۲/ ۵۵۷-۵۶۸) در واقع در طـی سده‌های متمادی تاریخ اسلام، تفاسیر مختلفی تألیف شده‌اند که بدون لحاظ صحّت و بطلان آن تفاسیر و صرفاً با توجه به روش و گرایش آنها در مجموعه‌هایی طبقه‌بندی شده‌اند(ر.ک. به حسین علوي‌مهـر، روش ها و گرایش های تفسیری؛ علي‌اکبر بابايي، روش شناسـي تفسـير قـرآن؛ محمدحسـين ذهبـي، التفسـير و المفسرون؛ عمید زنجانی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن؛ محمدهادی معرفت، تفسیر و مفسـران).مطالعات تفسیری به طور عام و تفسیر متون مقدس به طور خـاص از سـده نـوزدهم مـیلادی بـه ایـن سـو بـا دانـش هرمنوتیک پیوند عمیقی پیدا کرده (احمدی ، ساختار و تأویل متن، ۵۳۵) و به‌ویژه پس از پیـدایی نظریـه-های هرمنوتیک فلسفی، افق‌های جدیدی به‌سوی تأملات تفسیری و هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی فهـم و تفسیر گشوده شده است.(واعظی، نظریه تفسیر ومسایل آن ، ٤٦). در دهه‌های آخر سده بیسـتم بـا نظریـه هرمنوتیک دریافت مواجه هستیم که ایده نسبتاً جدیدی در زمینه تحلیل آثار تفسیری و فهـم متـون مقـدس مطرح نموده و بیش از همه بر نقش و جایگاه تاریخی، اجتمـاعی و فرهنگـی مفسـر در پیـدایی تفسـیرهای گوناگون از متون مقدس تأکید می‌نمایـد و بـا توجـه بـدان تفاسـیر را تحلیـل مـی نمایـد . ایـن جسـتار در چارچوب نظریه دریافت و در بازه ۴ دههٔ اخیر پس از انقلاب اسلامی، مطالعات تفسیری در ایران را مـورد تحلیل قرار داده و آثار تفسیری را جریان شناسی نموده است. بر اساس تتبع مؤلف، در بازهٔ مـورد پـژوهش، گفتمان این همانی دیانت و سیاست در فضای فرهنگی ایران غالب گشته و ایـن گفتمـان تـا حـدود زیـادی شرایط تاریخی اجتماعی فرهنگی را تبیین می‌نماید. در واقع دو جریان تفسیری در این دوران قابل تشخیص

۱ . مهم ترین تفاسیر قرآن از سده های نخستین مربوط به مفسران ایرانی مانند محمد بن جریر طبری، فخررازی، زمخشری، بیضاوی و دیگران بوده است.

است. نخست، جریان تفسیری موافـق گفتمـان ایـن همـانی دیانـت و سیاسـت و دیگـر جریـان تفسـیری غیرموافق با گفتمان این همانی دیانت و سیاست. در هریـک از دو جریـان، آثـار تفسـیری بـا رویکردهـای متفاوتی نوشته شده‌اند که این پـژوهش بـدان‌هـا پرداختـه اسـت. چـارچوب نظـری ایـن مطالعـه، نظریـه هرمنوتیک دریافت است و پژوهش زیر با روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی تاریخی انجام شده است.

نگارنده با تتبع در وبگاه های مختلف، پیشینه‌ای بر تحقیق خود نیافته است. در واقع ایـن پـژوهش بـه سراغ مطالعات و آثار تفسیری دوران پس از انقلاب رفته که پژوهشگران هنوز فرصت تحلیل و مطالعه آنهـا را پیدا نکرده‌اند. کتاب محمد اسعدی و همکاران با عنوان آسیب شناسی جریان های تفسیری ، جریان های تفسیری را معرفی و آسیب شناسی کرده ولی از تفاسیر سده ۱۴ هجری فراتر نرفته و بر مطالعات تفسیری در ایران نیز متمرکز نشده است. احمد پاکتچی نیز کتابی با عنوان جریان های فهم قرآن کریم در ایران معاصـر تألیف نموده که طبقه‌بندی خوبی از مفسران ارائه نموده ولی جریـان‌شناسـی تـاریخی انجـام نـداده اسـت. ضمن آن که پژوهش وی تفاسیر ۴ دهه اخیر را پوشش نداده است. در این میان صرفاً محمدعلی ایـازی در سیر تطور تفاسیر شیعه تا حدود زیادی به مفسران معاصر اشاره کرده در عـین حـال کـه ایشـان نیـز جریـان شناسی نکرده‌اند. با این حساب به‌نظر می‌رسد پژوهش حاضر به لحاظ تحلیلی که از اهّم تفاسـیرقرآنی ۴ دهه اخیر داشته کاملاً نوآورانه است.

۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱- **تفسیر:** تفسیر به‌معناي كشف، پرده‌برداري و روشن نمودن است ولـي هـر كشـف و روشـنگري تفسير نيست بلكه تفسير عبارت از كشف كلام الهي است. از سـوي ديگـر ايـن كـلام الهـي صـرفاً كتـاب آسماني مسلمانان يعني قرآن است و شامل حديث قدسي نيست.(علوي مهر، ۲۰)

۱-۲ - جریان تفسیری

جریان، مصدری عربی از ریشه جری یجری است که معنای حرکت منظم و دقیـق در طـول مکـان و خلاف سکون و توقف از آن برداشت می‌شود.(مصطفوی تبریزی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۲/ ۷٦)

جریان، در اصطلاح به امری که در حال شکل گیری است گفته می‌شود. در واقع به روند شـکل‌گیـری یک ایده و نظر و سیر تطور تاریخی آن با در نظر گرفتن فرازها و فرودها و آثـار آن در اجتمـاع جریـان گفتـه می‌شود.(رمضان شعبانی ساروئی، ۱۷) و نیز گفته شده؛ جریان، عنوانی اجتماعی است و حتماً باید دارای افراد متعدد باشد و یک نفر نمی‌تواند جریان را تشکیل بدهد. اگرچه جریان می‌تواند از سوی یک فـرد بنیـاد گذاشته شود و طرفداران و پویندگان متعددی داشته باشد. جریان، از سوی دیگر باید دارای پشتوانه و مبـانی

فکری مشخصی باشد و یک یا چند نفر به خصوص به عنوان نماینده فکری آن در جامعه شناخته شوند.(خسرو پناه، ۲۰)

بر این اساس؛ جریان تفسیری، عبارت است از طیف گسترده‌ای از مفسران قرآن کریم که مبانی فکری و اندیشگی نسبتاً یکسانی دارند و در گفتمان واحدی به امر فهم و تفسیر قرآن مبادرت کرده‌اند.

۱-۳- رویکرد تفسیری

اصطلاح رویکرد یا گرایش برگردان واژه اتجاه (approach) است و عبارت از شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی است که موجب تمایز تفاسیر از یکدیگر می‌شود. رویکرد تفسیری همان افکار و عقاید یا تخصصی است که ذهن و روان مفسر در تعامل با اوضاع و مسائل عصر خود بدان‌ها تمایل دارد و در تفسیر از آنها استفاده می‌نماید. برای مثال مفسر اشعری مذهبی که به تفسیر آیات قرآن مطابق عقاید اشعری می‌پردازد اتجاه اشعری دارد و مفسری که در چارچوب عقاید معتزله به تفسیرمی‌پردازد اتجاه تفسیری‌اش اعتزالی است؛ همچنین مفسری که اهتمامش به تفسیر از آیات الاحکام است دارای اتجاه فقهی و آن‌که گرایش به مسائل کلامی دارد دارای اتجاه کلامی است و مفسر علاقه‌مند به طرح مسایل اجتماعی و تحولات زمانه به سمت انواع تفسیر عصری گرایش می‌یابد.(ابراهیم شریف، ۲۷)

۱-۴- نظریه دریافت[1]

دانش هرمنوتیک که از فعل یونانی (Hermeneuein) به معنای «تفسیر کردن» گرفته شده ، پیشینه دیرینی در تفسیر و توضیح متون مقدس داشته و به‌تدریج در تفسیر متون ادبی و حقوقی و هنری نیز کاربرد پیدا کرده است. (احمدی ، «خرد هرمنوتیک»، ۱۰) این دانش به‌ویژه در دهه‌های آخر سده بیستم تحولات زیادی داشته و به‌یژه نظریه هرمنوتیک فلسفی مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶م) و شاگردش هانس گئورگ گادامر(۱۹۰۰-۲۰۰۲م) که بر شخصیت مفسّر و پیش فرض های ذهنی وی در امر فهم و دریافت تأکید داشتند، مورد توجه زیادی واقع شده است. (واعظی ، ۱۴۸-۱۵۵).

نظریه دریافت، تازه ترین تحول هرمنوتیک و دانش تفسیر است که در آن بیش از توجه انحصاری به متن و مؤلف، نقش خواننده و دریافت او از متون بررسی می‌شود. این نظریه در واقع بازتاب هرمنوتیک فلسفی در حوزه نقد ادبی از طریق شاگردان گادامر، ولفگانگ ایزر (۱۹۲٦-۲۰۰۷م) و هانس روبرت جاس است که معتقدند باید منظر مخاطبان و خوانندگان متون را به رسمیت شناخت (برکت، ٥٤). در واقع از نظر ایشان معنا نتیجه تعامل متقابل خواننده و متن است. معنا یک تأثیر و معلول است که تجربه می‌شود و نه یک پیام که دریافت گردد.(واعظی، ٤٦-٤٧) هرمنوتیک دریافت، در مجموع بر نقش و

1 .Reception theory

جایگاه اجتماعی و تاریخی و پیش فرض های ذهنی مفسّران به مثابه خوانندگان متن مقدس بسیار تأکید دارد و بر آن است که ویژگی‌های مختلف مفسّران در فرایند تفسیر متن قابل انفکاک از آنان نیست و چگونگی تفسیر آن‌ها از متون را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. (پارسا، ۵)

۲- گفتمان این همانی دیانت و سیاست؛ بازنمود شرایط تاریخی اجتماعی ایران پس از انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی مردم ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ شمسی در حالی بر رژیم شاهنشاهی پهلوی به پیروزی رسید که مردم رهبری امام خمینی (۱۳۶۸-۱۲۷۹) (ره) و ایده‌ها و دیدگاه‌های ایشان را با اکثریت قاطع مورد تأیید قرار دادند. استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی مهم‌ترین و بنیادی‌ترین شعار و آرمان مردم بود که در طی انقلاب مورد تأکید قرار داشت. در واقع ایدهٔ محوری و مبنایی رهبر انقلاب در طی مبارزه‌ای که از سال ۱۳۴۲ شمسی شروع شده بود؛ مبنا قرار گرفتن آموزه‌های دینی در ارکان حکومت و سیاست و به یک معنا بحث ارتباط دیانت و سیاست بود که همواره در بیانیه ها و سخنرانی ایشان تکرار و تأکید می‌شد. ایدهٔ «این همانی دیانت و سیاست» در طول دوران انقلاب از سوی امام خمینی و شاگردان ایشان تبلیغ و به لحاظ نظری تبیین شد (بنگرید به ادامه مقاله). این نظریه در نهایت با پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، با قوّت و قدرت بیشتری از سوی امام خمینی مطرح و به مثابه گفتمان[1] غالب در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نهادینه گردید. تشکیل جمهوری اسلامی ، اصول مختلف قانون اساسی بویژه مقدمه و اصول پنجم و پنجاه و هفتم و یکصد ونهم و یکصد و دهم آن و نیز پیدایی بنیادها و نهادهای سیاسی دینی همگی گواه غلبه این گفتمان هستند.

این همه نشانگر آن است که فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دهه های پس از انقلاب اسلامی ایران ،کاملاً تحت تأثیر «گفتمان این همانی دیانت و سیاست» قرار گرفته است.

۴-۲- مؤلفه های گفتمان «این همانی دیانت و سیاست»

گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» در صدد القای این معناست که سیاست و تدبیر امور در همه زمینه‌های فرهنگی اقتصادی و اجتماعی کشور باید بر مبنای احکام اسلامی و قوانین دینی اجرا و اعمال

۱ . واژهٔ «گفتمان» به عنوان برابرنهادهٔ واژهٔdiscourse ، توسط داریوش آشوری برساخته شده‌است. از نظر فوکو گفتمان مجموعه گزاره هایی است که به زبان امکان می دهد در باره موضوعی خاص در لحظه تاریخی خاصی سخن بگوید یا دانش مربوط به آن موضوع را بازنمایی کند. در اینجا منظور از گفتمان ؛ نظام بینشی است که از راه واژگان و گفتارهای نهادینه شده بر ذهنیت افراد و حتی بر آگاهی یک دوران تاریخی اثر می گذارد و شیوه ادراک انسان از واقعیت را تعیین، مقیّد و محدود می سازد. (مریم قهرمانی ، ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان : رویکرد نشانه شناختی ،تهران، ۱۳۹۲ش.)

گردد. از سوی دیگر معتقد است؛ آموزه‌های قرآنی و احکام دینی از چنان جامعیتی برخوردار است که برای همه مسائل جامعه پاسخ مناسب دارد. روی هم‌رفته، این گفتمان دارای مؤلفه های زیر است:

۱-۱-۲- ضرورت دخالت روحانیت در سیاست

امام خمینی به مثابه مجتهد و فقیهی شیعی (ستوده، ۲۰۰/۳-۲۰۳ ؛ ۱/ ۲۸-۳۰) و در مواجهه با فعالیت شاهان پهلوی بر ضد نهاد روحانیت و مذهب، به این نتیجه رسید که آموزه های دینی و فقهی اسلام از آن جهت که در جهت صلاح جامعه و رفع فساد از آن است، دستوراتی سیاسی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۹/۱۳ـ۴۳۰ ؛ ۹/ ۵۰۵). از این‌روست که در مقابل دیدگاه برخی از فقها و مجتهدان هم عصر خود که دخالت در امور سیاسی را روا نمی‌دانستند (لک زایی،۱۵۷-۱۵۹، فراتی، ۳۵-۳۷ و ۸۳-۸۵) بر سیاسی بودن آموزه‌های دینی و ضرورت دخالت عالمان دین در سیاست پافشاری نمود و جدایی سیاست از دین را مقوله‌ای استعماری و با هدف باز داشتن ملت‌های مسلمان از دخالت در سرنوشتشان مطرح نمود (امام خمینی، صحیفه امام،۵/ ۱۸۸ـ۱۸۹ و ٤/ ۱ـ۲).

۲-۱-۲- ولایت فقیه

نظرية نيابت عامة فقها از امام زمان علیه السلام که به نظریه ولایت فقیه مشهور شده و به معنای جواز حکومت فقیهان در زمان غیبت امام زمان (ع) است، نخستین بار در اوائل قرن پنجم هجری در حوزة فقهی بغداد در رابطه با تعیین تکلیف زکات و خمس و چگونگی قضاوت میان شیعیان از سوی شیخ مفید (متوفی.۴۱۳ق)مطرح گردید. امام خمینی با تأسی و تأثیرپذیری از اندیشه‌های سیاسی فقهای پیشین (محقق حلّی، ۱۵۲/۱؛ علاّمه حلّی، ۲ / ۴۱۷؛ شهید اول،۸۹ ؛ شهید ثانی،۲۳۶/۱؛ بهبهانی، ۷۵۱ ؛مرتضی انصاری،۱۵۴؛ نجفی ، ۳۹۵/۲۱- ۳۹۷) بحث ضرورت ولایت فقیه را بار دیگر با قدرت بیشتری مطرح کرد. شرایط و حدود اختیارات ولی فقیه در کتابها و بیانات و سخنرانی‌های ایشان تبیین و در مفاد قانون اساسی گنجانده شد. (ر.ک.به: امام خمینی، کشف‌الاسرار، کتاب الرسائل «مبحث اجتهاد و تقلید»، تحریر الوسیله «مبحث امر به معروف ونهی از منکر» و کتاب البیع؛ «بحث ولایت فقیه»، صحیفه نور)

۳-۱-۲- جامعیت آموزه‌های قرآنی در مدیریت سیاسی و اجتماعی

امام خمینی در آثار فقهی خود تأکید می‌کند که: «... اسلام برای تأسیس حکومت عادله به‌پا گردیده است که در آن قوانین مربوط به امور مالی، بیت المال، جزئیات، قضاء، حقوق، جهاد، دفاع و پیمان‌های میان دولت اسلامی و دولت‌های دیگر وجود دارد (امام خمینی، کتاب البیع، ٤٦٠/٢). همو در جای دیگر می‌گوید: «اسلام دین سیاست است با تمام شئونی که سیاست دارد. این نکته برای هر کس [که] کمترین تدبری در احکام حکومتی سیاسی، اجتماعی اقتصادی اسلام بکند آشکار می‌گردد (امام خمینی، تحریر

الوسیله،۲۳٤/۱). امام خمینی معتقد بود شمار آموزه‌های اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی *قرآن* صد برابر بیش از امور عبادی آن است (امام خمینی، ولایت فقیه ،۱۵). بر این اساس می‌توان به این نتیجه رسید که امام خمینی آموزه‌های قرآنی را برای مدیریت و سیاست بر امور مختلف کشور، جامع و کامل می‌دانست.

۳- جریان‌شناسی و طبقه‌بندی مطالعات تفسیری

مطالعات تفسیری قرآن کریم که در قالب کتاب، مقاله و یا پایان‌نامه‌های دانشجویی پس از انقلاب اسلامی تألیف و منتشر شده‌اند؛ شمارگان بسیار بالایی دارد و حتی در مقایسه با کل آثار قرآنی مربوط به ۱۴ سده گذشته (ر.ک. به آقا بزرگ طهرانی،مدخل تفسیر) فزونی قابل ملاحظه‌ای داشته است. تحلیل و طبقه‌بندی این آثار احتمالاً به گونه‌های مختلفی قابل انجام است، ولی از منظر این جستار ، لحاظ نمودن شرایط تاریخی و پیش فرض های ذهنی و فرهنگی مفسّران مبنایی‌ترین و اصولی‌ترین نوع طبقه‌بندی این آثار است.در واقع در فضای تاریخی و فرهنگی ۴ دههٔ اخیر پس از انقلاب اسلامی ایران ، گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» و مؤلفه های پیش گفتهٔ آن کاملاً غلبه پیدا کرده و هرگونه جریان‌شناسی و طبقه‌بندی باید با لحاظ این گفتمان صورت گیرد.

مطالعات تفسیری بر این اساس در دو جریان مشخص دسته‌بندی شده است. نخست، جریانی که مبتنی بر گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» و هم‌سو با آن به امر تفسیر و فهم قرآن مبادرت کرده است و دوم؛ جریانی که بدون لحاظ آن گفتمان و غیر هم‌سو با آن گفتمان و مؤلفه‌های آن قرآن را تفسیر نموده است. در هریک از دو جریان تفسیری، رویکردهای تفسیری متنوعی قابل مشاهده است(ر. ک. به : ادامه مقاله).

۱-۳- جریان تفسیری هم‌سو با «گفتمان این همانی دیانت و سیاست»

جریان تفسیری چنان که پیش از این در تعریف جریان بیان شد؛ حرکتی اجتماعی متشکل از افراد متعدد را سامان داده که به یک ایده، گفتمان و نظام اندیشگی مشخص اعتقاد دارند. این گفتمان مشخص؛ همانا گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» با مؤلفه‌های سه‌گانه آن است که پیش‌فرض‌های فهم و تفسیر مفسران را فراهم می‌آورد. در واقع این جریان متشکل از طیف گسترده‌ای از مفسران است که طبعاً در شمار کارگزاران نهادهای مختلف هستند و با رویکردهای مختلف آیات و آموزه‌های قرآن را بر اساس سیاست‌ها و دیدگاه‌های نظام سیاسی تفسیر و تبیین می‌نمایند. برخی از مهم‌ترین آثار تفسیری این جریان به قرار زیر است:

الف - تفسیر تسنیم با رویکرد عقل‌گرایانه

مجموعه چند جلدی ***تفسیر تسنیم***، اثر عبدالله جوادی آملی (متولد ۱۳۱۲ شمسی) در شمار مهم‌ترین آثار این جریان است که با رویکردی عقل گرایانه به تفسیر پرداخته است.تفسیر آیات ***قرآن در تسنیم*** به روشنی و آشکارا در گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» سامان داده شده و اعتقاد به هر سه مؤلفة گفتمان ، در باور و ذهنیت مفسّر قابل مشاهده است. به اعتقاد استاد جوادی آملی؛ ایدۀ جدایی دین از سیاست در شمار شبهات عصر حاضر در عرصه معرفت دینی است که حوزه دین را محدود به سامان دادن امر آخرت انسانها دانسته و امور حکومت و معیشت را از حوزه تشریع دینی خارج می‌داند و برای انبیای الهی جهت مداخله در امور غیر عبادی، اخلاقی و اخروی رسالتی قایل نیست.(جوادی آملی، تفسیر تسنیم،۲۳۹/۱). جوادی آملی، تأسی به سیرۀ پیامبران در دخالت در امور سیاسی و اجرای احکام و قوانین ***قرآن*** را در هر زمان ضروری می‌داند.(همان، ۲۴۰) اعتقاد جوادی آملی به ولایت فقیه در تفسیر آیات مختلفی از قرآن تبیین شده ؛ چنان که ذیل تفسیر یا ایّها الّذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم ...(نساء:۵۹) می گوید: اولی الامر باید معصوم باشد و زمامداران کشور و علما و اهل حل و عقد نمی توانند در دایره عصمت باشند و صرفاً امامان معصوم واجب الاطاعه هستند.در زمان غیبت نیز اطاعت از خدا و رسول با پیروی از فقیه جامع الشرایط که از طرف امامان معصوم (علیهم السلام) نصب شده ، حاصل می گردد. در واقع در زمان غیبت ، فقیه جامع الشرایط که نیابت عام از حضرات معصومان (علیهم السلام) دارد، بر اساس فرمایش امام صادق (علیه السلام) که فرمودند:« من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً علی هواه، مطیعاً لأمر مولاه، فللعوام أن یقلّدوه» ولایت دارند(جوادی آملی ، تسنیم،۲۳۷/۱۹-۲۷۷). تأکید و استدلال بر ولایت فقیه، ذیل تفسیر آیة ۶ سوره احزاب (تسنیم، ج۲۲، ۴۳۹-۴۳۸) و نیز آیة ۸۸ سوره هود (تسنیم،۲۳۶/۳۹) و جاهای دیگر نیز بیان شده است. جوادی آملی ، «ولایت فقیه» را از مهم ترین مسائل جامعه اسلامی و سنگ بنای نظام جمهوری اسلامی می داند و معتقد است که بر هر فرد مسلمان و انقلابی لازم است این اصل اساسی را خوب بشناسد و سپس بر مدار آن حرکت کند (جوادی آملی، ولایت فقیه: ولایت، فقاهت و عدالت ،۱۲۱).اعتقاد به جامعیت قرآن جهت مدیریت جامعه، مؤلفة سوم گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» است و جوادی آملی ذیل تفسیر برخی آیات بدان تأکید کرده است.باعتقاد جوادی آملی، بر اساس وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ (نحل:۸۹) آموزه‌های قرآنی جامعیت دارد و قرآن کریم تبیان (بیانگر) همه معارف ضروری و سودمند برای بشر و عهده‌دار بیان همه معارف و احکام هدایت‌گر، سعادت بخش و سیادت آفرین جوامع انسانی است.(جوادی آملی، تسنیم ،۳۵/۱) در واقع از نگاه جوادی آملی، عقل انسان به‌تنهایی قادر به شناخت

خوب و بد نیست و در همه امور نیاز به راهنمایی پیـامبران دارد. (جـوادی‌آملـی، نسـبت دیـن و دنیـا، ۶۰) جوادی آملی معتقد است؛ کمال و جاودانگی اسلام اقتضا دارد که تمام نیازهای انسان را پاسخ گوید، زیـرا دین به تمام امور زندگی انسان سرکشیده و در آن نظر داده است. به گونه ای که زندگی بدون دین، بـا بحـران روحی و روانی رو به رو می شود. (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۱۰۵/۱۷-۱۰۷)

ب) معارف قرآن بارویکرد فلسفی کلامی

مجموعه معارف قرآن اثر محمدتقی مصباح یزدی(۱۳۹۹-۱۳۱۳) ذیل گفتمان «این همانی دیانـت و سیاست» و با رویکردی فلسفی کلامی ، تفسیر آیات الهی را سامان داده است. این مجموعه در ده محـور؛ خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راهنماشناسی، قرآن‌شناسی، اخلاق یا انسـان‌سـازی، برنامه‌های عبادی، احکام فردیو احکام اجتماعی به تفسیر موضوعی قرآن پرداخته است. در نظام اندیشگی مصباح یزدی به‌مثابه یک فیلسوف نوصدرایی، خداوند یگانه واجب‌الوجود عالم هستی ، کمال مطلق و بی-نیـاز مطلقـی اسـت کـه سـایر موجـودات هسـتی وابسـته و نیازمنـد او هسـتند(مصـباح یـزدی، آمـوزش فلسفه،۳۹۱/۱)حاکمیت و فرمانروایی مطلق ، تنها متعلق به خداوند است و مشروعیت حکومت افـراد نیـز از جانب خداوند تعیین و اجازه داده مـی شود.(مصـباح یـزدی، آمـوزش عقایـد، ص۷۳) مصـباح یـزدی، خداوند را در رأس هرم نظام سیاسی قرار می‌دهد که براساس اندیشهٔ امامت تبیین شـده و رهبـری و ولایـت امت را درزمان حضوربه معصوم علیه‌السلام (مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام،۱٤۸/۱-۱۵۰) و درزمان غیبت به کسی که از نظر علم و تقوی و مدیریت شبیه به معصوم است یعنی همان ولیّ فقیه، متعلق می داند (همان،۲/ ۱۰۳-۱۰٤).در واقع باعتقاد مصباح یزدی، خداوند پیامبر و امامان را به‌طور خاصی برای خلیفـه الهی منصوب کرده و به‌ایشان ولایت تکوینی و تشریعی داده است. و درعصر غیبت نیـز بـه فقهـای جـامع شرایط به‌گونهٔ عام حق ولایت تشریعی داده‌است. (همان،۲/ ٦۲-٦۱)

مصباح یزدی معتقد است جهان غرب برای سیطره بر عالـم، بحث تفکیک دیانت از سیاسـت را مطـرح کرده است تا به آن وسیله اوامر و نواهی الهی را ازحیطهٔ حقوق به معنای عام آن بیـرون بکشـد و هـر کـاری خواستند انجام دهند. (مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، ص ۱۹) مصباح یزدی نیز بـه جامعیـت احکام و قوانین قرآن برای اداره امور جامعه قایل است و می‌گوید؛ شریعت مقدس اسلام ازسـوی خداونـد متعال برای همه مردم جهان در سراسر اعصارفرستاده شده و برای همه شئون فردی و اجتماعی انسان قوانین و مقررات دارد(همان، ١١٤) باعتقاد مصباح یزدی، قرآن کریم نسخه شفابخشِ علم الهـی بـرای سـعادت و رستگاری بشر در دنیـا و آخـرت اسـت کـه راه حـل مشـکلات فـردی و اجتمـاعی را بایـد در آن جسـتجو کرد(مصباح یزدی، قرآن در آیینه نهج البلاغه ،۳۹).

ج) *تفسیر راهنما با رویکرد اجتماعی*

مجموعه چند جلدی تفسیر راهنما که به همت اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۳۱۳-۱۳۹٦) و گروه همکاران با رویکردی اجتماعی نوشته شده از مصادیق آثار تفسیری جریان موافق گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» است. هاشمی رفسنجانی به مثابه یکی از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران و نزدیک‌ترین شاگرد امام خمینی (خسروشاهی،۱۷-۳٦) معتقد است؛ ایده جدایی دین از سیاست برای جلوگیری از مبارزه مردم و خارج کردن نیرو و فعالیت روحانیان از عرصه انقلاب و به شکست کشاندن آن طرح شده است . (هاشمی رفسنجانی، بی تا، ۱۸-۲۸). ولایت فقیه نیز در شمار اموری است که هاشمی رفسنجانی در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بدان پایبند بوده و درباره آن نظریه‌پردازی کرده و در تصویب قوانین مربوط بدان نقش محوری داشته است. (هاشمی رفسنجانی، خاطرات، مصاحبه آقای هاشمی با مجله سروش پیرامون استاد مطهری و جدایی دین از سیاست و گروه فرقان) هاشمی رفسنجانی، قرآن را جامع احکام سیاسی و مدیریتی در همه امور می‌داند و می‌گوید: کسانی که صحبت از جدایی دین از سیاست می‌کنند، یا از محتویات اسلام خیلی کم اطلاع دارند یا سیاست را نمی‌شناسند. (همان، مصاحبه آیت ا... هاشمی رفسنجانی با برنامه عصر ولایت شبکه دوم سیما با مسئله دین و سیاست، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۷، تفسیر راهنما، ۹/ ۳٦۰، ۵/ ۷۱)

د- *تفسیر نور و رویکرد واعظانه*

تفسیر نور از جمله تفاسیر جریان موافق گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» است که محسن قرائتی (متولد۱۳۲۴) با رویکردی تبلیغی - واعظانه آن را سامان داده است. قرائتی معتقد است که دین از سیاست جدا نیست و در موارد بسیاری در تفسیرش به این مسئله اشاره می‌کند. چنان که ذیل تفسیر آیه ۳۳ سوره مائده می گوید : اجرای احکام و حدود الهی، در سایه‌ی برپایی نظام و حکومت اسلامی میسّر است، پس دین از سیاست جدا نیست. (قرائتی، تفسیر نور،۲۸۵/۲).ذیل آیه ۵۵ مائده نیز می گوید؛ یکی از پیام های آیه ، این است که دین، از سیاست جدا نیست، بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است.(همان ، ۲۰۷/۶) بر روی هم قرائتی معتقد است که اسلام، دین سیاست است و نه تنها احکام فردی بلکه برای همه امور اجتماعی قانون و برنامه دارد (همان، ۲/ ۳۱۱). قرائتی در شمار طرفداران و مبلّغان نظریه ولایت فقیه است و علاوه بر مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مختلف در تفسیر نور نیز ایدة خود را تبیین کرده است . باعتقاد قرائتی، ولایت فقیه در راستای ولایت امام معصوم است و در تایید آن روایات مختلفی از جمله مقبولة عمربن حنظله ازامام صادق علیه السلام بیان شده است(همان،۲/ ۳۱۹). قرائتی، ***قرآن*** کریم را جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب آسمانی جهت هدایت، تربیت ورشد انسان‌ها می‌داند (همان، ۲/ ۴۵۲) که همه احکام

مورد نیاز جامعه در آن وجود دارد.(همان،۴/ ۵۶۸).

۴- جریان تفسیری غیر همسو با «گفتمان این همانی دیانت و سیاست»

جریان تفسیری دیگری که در فضای ایران اسلامی در فاصله ۴ دهه پس از انقلاب قابل مشاهده است؛ ویژگی‌ها و شاخصه‌های مختلفی دارد. در واقع این جریان شامل جریانها و طیف های مختلف از مفسران و آثار تفسیری است که به گفتمان این همانی دیانت و سیاست باور ندارند و یا نسبت به برخی مؤلفه‌های آن کم‌اعتقاد و یا بی‌اعتقاد هستند.ولایت فقیه را البته باید مستثنی دانست زیرا در سنّت آموزشی حوزه‌های شیعی تقریباً پذیرفته شده است و دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه به کلیّت آن اعتقاد دارند. لکن این جریان به طور خاص به جامعیت آموزه‌های قرآنی جهت مدیریت امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی اعتقاد ندارد و از به‌کارگیری نظریه‌ها، اندیشه‌ها و روش‌های مدرن در مطالعات خود پروایی نداشته بلکه این نوع استفاده را ضروری و ضامن حیات و استمرار دین می‌داند. جریان تفسیری که در این جستار با عنوان جریان تفسیری غیر هم سو با گفتمان« این همانی دیانت و سیاست» از آن نام برده می شود؛ بی تردید قابل تقسیم و طبقه بندی در جریان‌ها و گفتمان های مختلفی است که معرفی و شناسایی تفصیلی آنها در مجال این جستار نیست. این جریان شامل طیف‌های متنوع و گسترده‌ای است که افراد و مفسران به‌شدت سنّتی و نیز مفسران نواندیش را در بر می‌گیرد. مطالعات تفسیری در این جریان نیز با رویکردهای مختلفی انجام شده که به دلیل گستردگی فقط به معرفی اجمالی اکتفا می گردد:

الف- تفاسیر سنّتی

تفسیر و فهم قرآن کریم با روش و رویکردهای سنتی نزد مفسران ایرانی سابقهٔ چند صد ساله دارد که در ۴ دههٔ گذشته نیز همچنان ادامه داشته است. در واقع در بازه زمانی سالهای پس از انقلاب ، تفاسیر مختلفی با الگو قرار دادن برخی تفاسیر شیعی مثل مجمعُ البیان فی تفسیر القُرآن اثر فضل بن حسن طبرسی (متوفی ۵۴۸ق) ، تفسیر صافی اثر ملا محسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۰ق) و نیز البرهان فی تفسیر القرآن اثر سید هاشم بحرانی (متوفی ۱۱۰۹ق) و با همان سبک و سیاق تألیف شده‌اند. روان جاوید اثر میرزا محمد ثقفی تهرانی (متوفی ۱۴۰۶ ق/ ۱۳۶۳ ش) مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن اثر سید عبدالاعلی موسوی سبزواری (متوفی ۱۴۱۴ ق/ ۱۳۷۲ ش) الفرقان فی تفسیر القرآن اثر علی روحانی نجف آبادی (متوفی ۱۴۱۴ ق /۱۳۷۳ ش) انوار درخشان اثر سیدمحمد حسینی همدانی معروف به آقا نجفی (متوفی ۱۴۱۷ ق/ ۱۳۷۵ ش) ، تفسیر آسان اثر محمدجواد نجفی خمینی (متوفای ۱۴۱۹ ق/ ۱۳۷۷ ش)، تفسیر جامع اثر سیدابراهیم بروجردی(د. ۱۳۸۴ ش.) و مناهج البیان فی تفسیر القرآن اثر

محمدباقر ملکی میانجی (متوفای ۱۳۷۷ ش) در شمار این تفاسیر هستند. مفسران این طیف بـه گفتمـان «این همانی دیانت و سیاست» و مؤلفه های آن باور ندارند و صرفاً بر اسـاس دیـدگاه‌هـای سـنتی و تقریبـاً مساوق تفاسیر پیش گفته به تفسیر قرآن مبادرت نموده‌اند(ایازی، سیر تطور تفاسیر شیعه، سراسر).

ب- تفاسیر سنتی نوگرا (مفسران نواندیش سنتی)

طیف دیگری از این جریان تفسیری مربوط به مفسران نوگرا و یا نواندیش است کـه البتـه در روش‌هـای تفسیر سنتّی هستند و به نظریه‌های تفسیری جدید اعتقادی ندارند اما در پارادایم سنّت و درون سنّت، به نقد روش‌ها و روندهای سنّتی پرداخته و دیدگاه های تفسیری نوینی ارائه کرده‌اند. الفرقـان اثـر محمـد صـادقی تهرانی(۱۳۰۵- ۱۳۹۰) و حسن یوسف اثر نعمت الله صالحی نجف آبادی(۱۳۰۲-۱۳۸۵) و تـدبری در قرآن اثر محمدباقر بهبودی(۱۳۰۷-۱۳۹۳) در این طیف، طبقه‌بندی می‌شوند.

صادقی تهرانی در تفسیر سی جلدی «الفرقان فی تفسیر القرآن بـالقرآن و السـنه» معتقـد اسـت بایـد صرفاً قرآن را با خود قرآن تفسیر نمود و سنّت نیز در صورت تأیید از سوی قرآن مورد استفاده قرار می‌گیـرد. صادقی تهرانی با همین ایده یعنی ضرورت اهمیت دادن به قرآن بسیاری از آموزه‌های رایج و مشهور دینی را نقد می‌کند. در واقع از نظر صادقی ایـن آمـوزه‌هـا بیشـتر مبتنـی بـر منقـولات حـدیثی مجعـول هسـتند و ضدیت‌های فراوانی با نصوص قرآن دارند. صادقی اگر چه در حوزه‌های علمی شیعی و نزد اسـتادان نـام‌آور زمان خود آموزش دیده لکن رویکردها و منابع آموزشی متداول سنّتی را مـورد نقـد جـدی قـرار داده اسـت (صادقی تهرانی، فقه گویا نقد وبررسی فقه سنتی،۱۹، فراتی،۳۹۱ـ۳۹۰). صادقی تهرانی به نظریه ولایـت فقیه با خوانش رایج در نظام جمهوری اسلامی ایران موافق نبوده است و به ولایت فقیه شورایی اعتقاد داشته (ر.ک. به: صادقی تهرانی، حکومت صالحان) و احتمالاً بر این اساس در بسیاری موارد با تفسیرهای رایـج مخالفت دارد.

تفسیر صادقی از احکام فقهی قرآن نیز با تفاسیر سنتی تمایزهای ویژه‌ای دارد چنان که در بحث پـاکی بدن کفار و اهل کتاب (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن و السنه، ۱۳/ ۲۲-۱۷) و نیز درباره پاک بودن مسکرات و شراب (همان،۹/ ۲۰۸-۲۰۹) و نیـز وجـوب زکـات و خمـس و مجـازات سنگسـار دیدگاه‌های متفاوتی از فتاوای مشهور دارد. صادقی بر خلاف بیشتر مفسران آیات مربوط به خلود در جهـنم را به معنای بقای طولانی و نه جاودانه در آتش می‌داند.(همان، ۴۵/۳۰) .

محمدباقر بهبودی نیز به ضرورت تفسیر قرآن با استفاده از آیات و فرازهای قرآن بـاور دارد و روش‌هـا و رویکردهای سنّتی را نقد کرده است. معاني القرآن (ترجمه و تفسیر قرآن)، تدبري در قرآن (در دو مجلـد) و معارف قرآني حاوي ۱۶ مقاله در موضوعات قرآني، ادبي و فقهي در شـمار مطالعـات تفسـیری بهبـودی

است. بهبودی در «تدبری در قرآن» تلاش کرده فقط آیاتی را تفسیر نماید که نسبت بدان‌ها به دیدگاه ویـژه و متفاوتی دست یافته است. بحث چگونگی گسترش نسل انسان بر روی زمین از نسل هابیل و قابیل یکی از مواردی است که بهبودی تفاسیر سنّتی را نقد کرده و داستان آنان را مربوط به دوران بنی اسرائیل و نه ابتـدای آفرینش می‌داند.(بهبودی، **تدبری در قرآن** ،۱/ ۲۷؛ همو، نگاهی به تاریخ انبیـاء، ص ۱۵ـــ۱۶؛ تـدبری در قرآن، ۲۸۷/۱ـ۲۹۰). داستان آفرینش ، معاد جسمانی و تفسیر برخی آیات فقهی مثل حدود حجاب زنان (بهبودی، معارف قرآنی، ۴۹۰-۵۰۲) از دیگر موارد اختلاف نظر بهبودی با قول مشهور است.

ج- تفاسیر با رویکرد قرآن‌بسندگی

دیـدگاه هـای تفسـیری ابوالفضـل برقعـی(۱۲۸۷-۱۳۷۰) و دیگـر طرفـداران ایشـان مثـل حیـدرعلی قلمداران(۱۲۹۲- ۱۳۶۸) و مصطفی حسینی طباطبایی(متولد ۱۳۱۴ش) طیف دیگری از جریان تفسیری غیر هم‌سو با گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» را تشکیل می‌دهد. بررسی آثار این سه نفـر نشـان مـی دهد که با رویکرد قرآن‌بسندگی به استنباط آموزه‌های دینی پرداخته‌اند.

قرآن‌بسندگی نوعی خوانش دینی است که معتقد است؛ قرآن برای هدایت بشر کافی است و به روایـات در فهم قرآن و معرفت دینی نیازی نیست. در واقع از نگاه برقعی و طرفداران وی توجـه بـه برخـی روایـات منجر به غلّو در دین و خرافه گرایی گشته و با آموزه‌های اصیل قرآن تناقض دارد.(ر. ک. به روشـن ضـمیر ، جریان شناسی قرآن بسندگی). باید دانست که گفتمان قرآن‌بسندگی از همـان سـده‌هـای نخسـتین هجـری قمری هوادارانی داشته به‌ویژه خلیفة دوم بر همین اساس یعنی نگرانی از اهمیت کتاب دیگری غیر از قـرآن، از نگارش و کتابت حدیث ممانعت کردند(ابن سعد، ۱۳۲۳، ۵/ ١٤٠).

سید ابوالفضل برقعی در تابشی از قرآن و نیز قلمداران و طباطبایی در بیشتر آثارشان با مجعول دانسـتن بیشتر احادیث و روایات ، تلاش کرده‌اند قرآن را صرفاً با استفاده از نصوص قرآنی تفسیر نمایند و بسیاری از عقاید شیعی درباره امامت و ولایت و مباحث مربوط به وجوب خمس و امور دیگر را مورد نقـد قـرار مـی- دادنـــد.(تابشـــی از قرآن،ابوالفضـــل برقعی،تهـــران،https://aqeedeh.com ، راه نجـــات از شـــر غُلات،حیدرعلی قلمدارن،وبگاه اجتهادات.https://aqeedeh.com) به اعتقاد برخـی از پژوهشـگران، تابشی از قرآن، نمونه‌ای از تفسیر همدلانه با اهل سنّت است. (ایازی ،سیر تطور تفاسیر شیعه، ۲۳۱)

د- تفاسیر علمی

کاربست روش‌های علمی مختلف در تفسیر قرآن طیف دیگری از تفاسیر این جریـان تفسـیری را بـه- وجود آورده است. در واقع مفسران این جریان نسبت به گفتمان این همانی دیانت و سیاست لابشرط هستند یعنی بدون لحاظ مؤلفه‌های آن گفتمان در صدد هستند که بـا اسـتفاده از علـوم جدیـد مثـل علـوم تجربـی

وجامعه شناسی و یا روش شناسی‌های رشته تاریخ و زبانشناسی و مطالعات ادبی به تفسیر قرآن بپردازند.

آثاری که با این رویکرد تفسیری تألیف شده، شامل تک‌نگاری‌های تفسیری و تفاسیر کامل قرآن است. پا به پای وحی اثر مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳)، نظم قرآن اثر عبدالعلی بازرگان (متولد ۱۳۲۲ ش)، قرآن و علوم طبیعت اثر مهدی گلشنی و اعجاز قرآن از نظر علوم امروزي اثر یدالله نیازمند (شیرازي)، ساختار هندسي سوره‌هاي قرآن: پیش‌درآمدي بر روش‌هاي نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم اثر محمد خامه‌گر و آثار متعدد دیگر در این طیف هستند. مهدی بازرگان اگرچه نخستین نخست وزیر ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود لکن به گفتمان این همانی دیانت و سیاست و مؤلفه‌های آن باور نداشت و می‌گفت: همان‌گونه که دین نیامده درس آشپزی و باغبانی به ما بدهد، امور سیاسی و اجتماعی را نیز به خودمان واگذار کرده‌است (بازرگان، «آخرت و خدا»). عقل‌گرایی به مفهوم تأمل و اجتهاد در فهم و تفسیر آیات در سراسر تک‌نگاری‌های قرآنی بازرگان مشهود است. سیر تحول قرآن نمونه جالبی از کارهای بازرگان است که با تلفیق روش‌های ریاضی و تاریخی، قرآن را مطالعه کرده‌است. درواقع، بازرگان با مشاهده‌ی تنوع و گوناگونی سوره‌های قرآن به لحاظ آهنگ و تعداد واژه‌ها و نیز محتوی و موضوع آیات، در صدد دستیابی به منطق خاص این تنوع ها بوده است. (بازرگان ، مجموعه آثار،١/ ٣٩-٤٣) بر این اساس با توجه به طول متوسط آیات و ملاحظه روند صعودی آنها نشان داده که طول متوسط تابع صعودی زمان است و به‌تدریج و با پیشروی اسلام افزایش یافته است. بازرگان با محاسبات ریاضی خود نشان داده که تعداد کلمات نازل شده بر پیامبر در هر سال، یکسان است و با تقریب در هر سال ٣٦٣٠ کلمه بوده که می‌توان آن را یکی از وجوه اعجاز قرآن دانست.(همان، ١٦٢) قرآن‌پژوهان دیگری نیز با توجه به دانش‌های نوین و روش‌های آن به تفسیر قرآن پرداخته‌اند.

و - طیف تفاسیر اخلاقی و تربیتی قرآن کریم

طیفی از مفسران و قرآن‌پژوهان که به گفتمان این همانی دیانت و سیاست پایبند نیستند، در این بازه زمانی به تألیف تک‌نگاری‌ها و تفاسیر کاملی از قرآن مبادرت کرده اند که معارف و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی قرآن را مورد توجه قرار داده‌اند. در واقع این طیف معتقدند محور کلی قرآن پیام های اخلاقی آن است و در هر آیه باید در صدد دریافت موعظه و پند اخلاقی قرآن بود. روح القرآن اثر محمد جواد مشکور (۱۲۹۷-۱۳۷۴) که بنیادهای اخلاقی قرآن از سوره فاتحه تا الناس را در برمی گیرد در شمار این طیف تفسیری است. تفسیر بیانی از قرآن اثر خانم زهرا روستا (متولد ۱۲۹۵)و نور ملکوت قرآن اثر سیدمحمدحسین حسینی طهرانی لاله زاری (۱۳۴۵ ق- ۱۴۱۶ ق) تفاسیر دیگری از این دست است که آیات اخلاقی را تفسیر کرده‌اند. (ایازی، ۲۳۶ و ۲۳۷) در واقع این قسم از تفاسیر بدون لحاظ دیدگاه‌ها و

مواضع سیاسی حاکم و غالب در جامعه صرفاً به تبیین آموزه‌های اخلاقی و تربیتی قرآن کریم مبادرت می- نمایند.

ز- طیف مطالعات تفسیری با رویکرد هرمنوتیکی

مطالعات تفسیری مثل دیگر رشته‌های علمی از تحولات فلسفه علم متأثر است اگر چه در حوزه تفسیر کتاب‌های مقدس به‌دلیل سنتی بودن این دانش، تأثیر و تأثرات خیلی به کندی صورت می‌گیرد. نظریه‌های تفسیری هایدگر و شاگردش گادامر که به هرمنوتیک فلسفی مشهور است در بازهٔ ٤ دههٔ اخیر مورد توجه برخی قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. این نظریه تفسیری به عنصر مخاطب و مفسّر اهمیت زیادی می‌دهد و بر آن است که شرایط تاریخی و پیش‌فرض‌های ذهنی و علایق مفسّر در تفسیر کتاب مقدس تأثیر اجتناب‌ناپذیری دارد.

محمدمجتهد شبستری (متولد ۱۳۱۵) و عبدالکریم سروش (متولد ۱۳۲۴) در شمار افرادی هستند که اگرچه به تفسیر قرآن اهتمام نداشته‌اند لکن در صدد معرفی و تنقیح این نظریه تفسیری برآمده‌اند. در واقع به‌جای تفسیر متن قرآن به تأملاتی در باب چیستی وحی و نسبت آن با فرهنگ عصر نزول و نیز ماهیت و چیستی فهم و سازوکار حصول فهم و تفسیر و نقش شرایط مفسر در آن پرداخته‌اند. شبستری و سروش به طور خاص به جامعیت آموزه‌های قرآن باور ندارند. شبستری معتقد است؛ نصوص مورد استناد در احکام فقهی «کتاب و سنت» در صدد پاسخ به پرسش‌های عصر ما نبودند و فقط به عصر نزول اختصاص دارد و نباید بر این باور بود که نصوص و متون دینی ما، در مورد هر آنچه در عصر کنونی در زندگی سیاسی و اجتماعی بشر مطرح است، پاسخ داده و می‌توان پاسخ آن را در متون دینی یافت. (مجتهد شبستری، هرمنوتیک کتاب و سنت، ۲۲۸-۲۳۰) همچنین وی بر آن است که بسیاری از تدابیر پیامبر(ص) که به سیاست‌ها و ولایت عامه مربوط می‌شوند مانند بیعت و شورا اموری زمان‌مند و مکان‌مند هستند و پیامبر(ص) درصدد تأسیس نظام ویژه‌ای نبوده و صرفاً به‌عرف عادلانه زمان خود عمل می‌کرده‌است(مجتهد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ۱۷۲-۱۸۳).

به‌اعتقاد سروش نیز، خدمات دین عبارت از مطبوع ساختن مجموع هستی، برانگیختن انسان‌ها دردستیابی به‌تجربه دینی، و معنابخشی به‌حیات آدمیان است. امور سیاسی(اجتماعی و اقتصادی) در ذات خود دینی نیستند و از دین نباید انتظار داشت احکام اجتماعی و نحوه کنترل تورم را بیان کند.(عبدالکریم سروش، «خدمات و حسنات دین»، ۱۲). شمار دیگری از قرآن‌پژوهان با کاربست برخی مؤلفه‌های نظریه تفسیری هرمنوتیک فلسفی و اهتمام به تاریخی بودن متن به تألیف تک‌نگاری‌های تفسیری دربارهٔ مفاهیم اجتماعی مدرن مثل آزادی بیان و عقیده، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها، نوع حکومت و مردم سالاری دینی

پرداخته‌اند. نویسندگان این آثار عمدتاً با گفتمان این همانی دیانت و سیاست و به طور خاص جامعیت آموزه‌ها و احکام قرآن برای پاسخگویی به همه نیازهای انسان معاصر اعتقادی ندارند. می‌توان ملاحظه کرد که این رویکرد تفسیری پیش از این در آثار اندیشمندان جهان عرب مثل محمد ارکون (۱۹۲۸-۲۰۱۰م)، نصر حامد ابوزید (۱۹۴۳- ۲۰۱۰م) و برخی دیگر مشاهده شده است.

نتیجه گیری

مطالعات تفسیری و آثار قرآنی به‌دلیل اهمیت آموزه‌های قرآن کریم در بازهٔ زمانی پس از انقلاب اسلامی در ایران زمین در مقایسه با سده‌های پیشین گسترش و فزونی قابل ملاحظه‌ای داشته است. آثار تفسیری مربوط به ۴ دهه اخیر صرف نظر از روش و گرایش تفسیری براساس گفتمان‌های حاکم بر اندیشه و ذهنیت مفسّران و نیز بر اساس جریان‌های مبتنی بر گفتمان‌های اندیشگی نیز قابل تحلیل و طبقه‌بندی هستند. در واقع با پیدایی و توسعه نظریه‌های هرمنوتیک فلسفی در سده بیستم که معرفت‌شناسی و هستی-شناسی فرایند فهم و چگونگی دریافت معنا از متون نوشتاری را مطمح نظر قرار داده، مفسران و شرایط تاریخی و اجتماعی آنها مورد توجه جدی قرار گرفته اند. نظریه دریافت که تازه‌ترین تحول هرمنوتیک و دانش تفسیر است، دریافت و فهم مفسّر از متون را تابعی از شرایط تاریخی و اجتماعی و ذهنی مفسّر می-داند و بر این اساس تفاسیر مختلف را طبقه‌بندی می‌نماید.

نظریه سیاسی ارتباط دیانت و سیاست که از سوی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در آثار مختلفی تبیین شده بود و در سالهای مبارزه با نظام پهلوی از سوی طرفداران و شاگردان ایشان تبلیغ و ترویج می گردید، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به مثابه **گفتمان «این همانی دیانت وسیاست»** تحول پیدا کرد.

ضرورت دخالت روحانیت در سیاست، ولایت فقیه و جامعیت آموزه‌های قرآنی جهت مدیریت و حکومت بر جامعه،بر اساس تتبع در آثار امام خمینی(ره) مؤلفه های گفتمان «این همانی دیانت وسیاست» هستند.

مطالعات تفسیری در بازه زمانی مورد پژوهش ، در نسبت با گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» در دو جریان عمده قابل طبقه بندی هستند.مفسّران جریان هم سو با گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» با اعتقاد بدان گفتمان و مؤلفه‌های سه گانه آن به تفسیر آیات الهی مبادرت نموده اند. در این جریان، آثار تفسیری با رویکردهای مختلف فلسفی، کلامی، اجتماعی و واعظانه تألیف شده‌اند.

جریان تفسیری دوم، جریانی است که بدون اعتقاد به گفتمان «این همانی دیانت و سیاست» و بدون

لحاظ مؤلفه های آن ، در طیف‌ها و با رویکردهای مختلفی به تفسیر قرآن اهتمام نموده است. تفاسیر سنّتی، تفاسیر سنتی نوگرا، تفاسیر علمی، تفاسیر با رویکرد قرآن بسندگی ، تفاسیر اخلاقی و تربیتی و مطالعات تفسیری با رویکرد هرمنوتیکی در شمار تفاسیر و مفسران این جریان تفسیری هستند.

منابع

آقا بزرگ طهرانی ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، مطبعه مجلس شورا، تهران، ۱۳۶۰.

ابن سعد، محمدطبقات الکبیر، تصحیح ادوارد سخو، بی نا، لیدن،۱۳۲۳ق.

احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۰.

ــــــــــ ، «خرد هرمنوتیک »، نشریه کلک، شماره ۳۹. خرداد ۱۳۷۲.

انصاری، شیخ مرتضی المکاسب، مکتب علامه ، قم، ۱۳٦۸.

ایازی، سید محمدعلی، سیر تطور تفاسیر شیعه، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات، تهران ، ۱۳۸۵.

بابايي ، علي اكبر و ديگران ، روش شناسي تفسير قرآن، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران - قم، ۱۳۷۹.

بازرگان، مهدی، مجموعه آثار (۱۲)، سیر تحول قرآن (۱)، شرکت سهامی انتشار با همکاری بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، تهران، ۱۳۸۵.

ــــــــــ ، آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا، نشریه کیان ، شماره ۲۸،صص ۴۶-۶۱، ۱۳۷۴ .

برکت، بهزاد، «کنش خواندن و انسان شناسی ادبیات: تصویری از اندیشه ولفگانگ آیزر»، نشریه جستارهای ادبی، ش ۱۸۴، بهار ۱۳۹۳.

بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، حاشية مجمع الفائدة و البرهان، در یك جلد، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني، قم – ايران، ١٤١٧ ق .

بهبودی، محمدباقر،« بازنگری تاریخ انبیا در قرآن»، نشریه پژوهش های قرآنی، شماره۱۱-۱۲، صص ٢٨٤-٣٤٩، ۱۳۷٦.

ــــــــــ ، تدبری در قرآن، انتشارات علم، تهران، ۱۳۹۵.

پارسا، فروغ، «درآمدی بر کاربست نظریه دریافت در تحلیل تاریخ تفسیر شیعه»، نشریه علمی مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی، شماره دوم، ص ۱-۲۳، ۱۳۹۶.

جوادی آملی، عبدالله، ***تفسیر تسنیم***، ج ۱، تحقیق علی اسلامی، نشر اسرا، قم، ۱۳۸۸.

ــــــــــ ، ***تفسیر تسنیم***، ج ۱۹، تحقیق سعید بندعلی و عباس رحیمیان، نشر اسرا، قم، ۱۳۸۹.

ــــــــــ ، ***تفسیر تسنیم***، ج ۲۲، تحقیق حسین شفیعی و محمد فراهانی، نشر اسرا، قم، ۱۳۸۹.

ــــــــــــ، ***تفسیر تسنیم***، ج ۳۹، تحقیق محمد جواد دشتی و روح الله رزقی و احمد جمالی، نشر اسرا، قم، ۱۳۹۵.

ــــــــــــ، ***نسبت دین و دنیا***، نشر اسرا، قم، ۱۳۸۱.

ــــــــــــ، ولایت فقیه: ولایت، فقاهت و عدالت، نشر اسراء، قم ، ۱۳۹۵.

حلّی، ابو منصور جلال الدین حسن یوسف، نهایة الأحکام فی معرفة الاحکام، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۰ ق.

حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.

خسرو پناه، عبدالحسین ، جریان شناسی ضد فرهنگ ها، دفتر نشر معارف I موسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی، قم، ١٣٩٦.

خسروشاهی، سیدهادی، دربارهٔ: آیت الله هاشمی رفسنجانی، کلبه شروق، قم، ۱۳۹۶.

خمینی، سید روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی ونامه ها)، مؤسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی، تهران،۱۳۷۸.

ــــــــــــ، ولایت فقیه، چاپ یازدهم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران،۱۳۸۱.

ــــــــــــ، کتاب البیع، ج۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۵.

ــــــــــــ، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم، بی‌تا.

ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیثه، قاهره، ۱۹۶۱م /۱۳۸۱ق.

روشن ضمیر، محمد ابراهیم جریان شناسی قرآن بسندگی، انتشارات سخن، تهران ،۱۳۹۰.

ستوده، امیر رضا، پا به پای آفتاب، نشر پنجره، تهران، ۱۳۷۵.

سروش، عبدالکریم، «خدمات و حسنات دین»، مجله کیان، ش ۲۷، صص۲-۱۶، ۱۳۷۴ .

سیوطی، عبدالرحمن، ترجمه الاتقان، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

ابراهیم شریف، محمد، اتجاهات التجدید، دارالتراث، قاهره، ۱۴۰۲ ق.

شعبانی ساروئی، رمضان، جریان شناسی سیاسی فرهنگی ایران، نشر اعتدال ، بی جا، ۱۳۹۰.

شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة في فقه الإمامیة، دار التراث - الدار الإسلامیة، بیروت، ١٤١٠ ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فـي شـرح اللمعـة الدمشـقیة (حاشـیه- سـلطان العلمـاء)، ۲ جلـد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم،

صادقی تهرانی، محمد، فقه گویا نقد وبررسی فقه سنتی، انتشارات امید فردا، بی جا، ۱۳۸۰.

ــــــــــــ، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، فرهنگ اسلامی ، قم ،١٤٠٦ق .

علوي مهر، حسین، روش ها و گرایش های تفسیری، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۸۱.

عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، چاپ دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشـاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.

فراتی، عبدالوهاب روحانیت و تجدد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۳.

قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸.

قهرمانی، مریم، ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان : رویکرد نشانه شناختی، ناشر مؤلف، تهران،۱۳۹۲.

لک زایی، نجف، ***تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر***، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱.

مجتهد شبستری، محمد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، طرح نو، تهران،۱۳۸۱.

ـــــــــــ، هرمنوتیک کتاب و سنت، طرح نو، تهران ، ۱۳۷۵.

مرکز اسناد آیت الله هاشمی رفسنجانی، https://rafsanjani. ir/

مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.

ـــــــــــ، نظریه سیاسی اسلام، به کوشش کریم سبحانی جلد ۱و ۲، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم،۱۳۹۱.

ـــــــــــ، قرآن در نهج البلاغه ، نگارش احمد محمدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۰.

ـــــــــــ، آموزش عقاید (دوره سه جلدی در یك مجلد)، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ١٣٨٤.

ـــــــــــ، حقوق و سیاست در قرآن، نگارش شهید محمد شهرابی، چاپ اول، انتشارات موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، قم،۱۳۷۷.

مصطفوی تبریزی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ١٣٦٨.

معرفت، محمد هادی تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگي التمهید، قم،۱۳۸۰.

نجفی، شیخ محمّدحسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٣٦٢.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، ***تفسیر راهنما***، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶.

ـــــــــــ، ***انقلاب یا بعثت جدید***، انتشارات یاسر، قم، بی تا.

ـــــــــــ، خاطرات، مصاحبه آقای هاشمی با مجله سروش پیرامون استاد مطهری و جدایی دین از سیاست و گروه فرقان) مرکز اسناد آیت الله هاشمی رفسنجانی، https://rafsanjani. ir/

ـــــــــــ، مصاحبه آیت ا... هاشمی رفسنجانی با برنامه عصر ولایت شبکه دوم سیما با مسئله دین و سیاست، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۷ش.

واعظی، احمد نظریه تفسیر ومسایل آن ، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ، قم،۱۳۹۲.